

این اثر برگردانی ست از

REDRESS seeking reparation for torture survivors

Implementing Victims' Rights:

*A Handbook on the Basic Principles and Guidelines on the
Right to a Remedy and Reparation*

March 2006 - The REDRESS TRUST, London, United Kingdom

جلد یکم

کتابچه بزه‌دیده‌شناسی

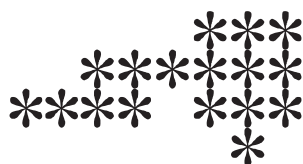
اصول و رهنمودهای بنیادی حق جبران و ترمیم

با پیش‌گفتارِ تنوفان بون (مدیر و گزارش‌گر پیشین واحد و دفتر

حقوق بشر سازمان ملل متحد)

ترجمه مهرداد رایجیان اصلی (عضو هیأت علمی پژوهشکده

تحقیق و توسعه علوم انسانی: سمت)



۷ / /
فهرست...

۷	سخن ناشر
۹	پیش‌گفتارِ مترجم
۱۳	پیش‌گفتارِ تئو فان بوون
۱۵	پیشینهٔ اصول و رهنمودها
۱۹	درآمد
۲۱	۱ درون‌مایهٔ اصول و رهنمودها
۲۲	۱. «تعریفِ بزه‌دیده» و «حق‌های بزه‌دیده»:
۲۳	۲. مسؤولیتِ بین‌المللی و تعهدهای دولت‌ها:
۲۳	۳. موضوع‌های شکلی
۲۵	۲ گستره
۲۵	الف) نقض‌ها
۲۸	ب) بزه‌دیدگان
۳۴	۳ ساختارِ اصول و رهنمودها
۳۵	الف) پیش‌گیری
۳۷	ب) تحقیق، پی‌گرد و کیفر
۴۰	صلاحیتِ جهانی
۴۳	قانون‌های مرور زمان
۴۵	پ) دست‌رسی برابر به دادگری از گذرِ جبران‌های کارآمد
۴۸	ت) گونه‌های جبران/ترمیم برای زیانِ واردشده
۴۸	جبران خسارت
۴۹	غرامت
۵۱	توان‌بخشی‌اعاده حیثیت
۵۱	اِقتناع‌سازی
۵۴	تضمین‌های تکرار نکردنِ [نقض‌ها]
۵۷	۴ نتیجه‌گیری
۵۸	۵ پیوست

سخن ناشر

بزه‌دیده‌شناسی یکی از قلمروهای معاصرِ علوم اجتماعی و انسانی ست که در دهه‌های گذشته از طریقِ جرم‌شناسی وارد حوزهٔ علوم جنایی شده است. این قلمرو مطالعاتی، با توجه به پیشرفت‌های اخیرِ خود، فراتر از جنبهٔ جرم‌شناختی، ابعادِ حقوقی نیز پیدا کرده است، به‌طوری که می‌توان آن را با قلمروهای گوناگونِ حقوق جنایی، سیاست جنایی - و حتّاً فراتر از علوم جنایی - با دیگر شاخه‌های حقوق (مانندِ حقوق بشر و حقوق بین‌المللی) نیز در تعامل و ارتباط دانست.

اگرچه مباحثِ بزه‌دیده‌شناسی در ایران، پیشینه‌ای بیش از دو دهه دارند، ولی هنوز جنبه‌های مختلفِ آن به نحوِ شایسته شناخته نشده اند. موضوعِ حق‌های بزه‌دیدگان و مسألهٔ اجراءِ این حق‌ها، یکی از مباحثِ مهم و جالبِ بزه‌دیده‌شناسی ست که به‌ویژه در سال‌های اخیر در سطحِ بین‌المللی موردِ توجّه مجامع و نهادهایی مانندِ سازمانِ مللِ متحد قرار گرفته است و بیش از هر چیز، از تعاملِ بزه‌دیده‌شناسی با حقوقِ بین‌المللیِ حقوقِ بشر و حقوقِ بشردوستانهٔ بین‌المللی حکایت می‌کند.

کتابِ پیشِ روی شما، ترجمه‌ای ست به قلم جنابِ آقای دکتر مهرداد رایجیان اصلی (عضو هیأتِ علمی پژوهشکدهٔ تحقیق و توسعهٔ علوم انسانی: سمت)، که بیش از دو دهه است که به صورتِ متمرکز به پژوهش‌های بزه‌دیده‌شناسی می‌پردازد. اثرِ پیشِ رو که اکنون توسطِ این انتشارات به زیور طبع آراسته

می‌شود، نخستین جلد از مجموعه کتابچه‌هایی است که مترجم محترم قصد دارد برای شناساندن جنبه‌های گوناگون بزه‌دیده‌شناسی - به‌ویژه از نظرگاه تطبیقی - ارائه کند. بنابراین، مطالعه آن به پژوهش‌گرانِ علاقه‌مندِ علوم جنایی - و به‌ویژه به دانشجویان تحصیلات تکمیلی رشته حقوق کیفری و جرم‌شناسی - توصیه می‌شود.

پیش‌گفتار مترجم

موضوع حق‌های بزه‌دیدگان را باید نقطه عطف تحولات بزه‌دیده‌شناسی در آغاز هزاره سوم تلقی کرد که مفهوم‌ها و نظریه‌های بزه‌دیده‌شناسی را از چارچوب دانشگاهی به پهنه سیاست‌گذاری وارد کرده، و در پهنه سیاست‌گذاری نیز از قلمرو حقوق داخلی به سطح بین‌المللی گسترانده است. در این میان، ملاک‌ها و هنجارهای بزه‌دیده‌مدارانه‌ای که به‌ویژه از دهه هشتاد میلادی جنبه بین‌المللی پیدا کرد، به تدریج از حالت رهنمودی خارج شده و با نزدیک‌تر شدن به پایان سده بیستم تدبیرهای گوناگونی برای اجرائی کردن آن‌ها پیش‌بینی و اندیشیده شد.

قطعنامه ۱۶ دسامبر ۲۰۰۵ مجمع عمومی سازمان ملل متحد، با موضوع اصول و رهنمودهای بنیادی درباره حق جبران و ترمیم، یکی از تازه‌ترین و مهم‌ترین سندهایی است که در راستای اجرائی کردن اصول و رهنمودهای ناظر به حق‌های بزه‌دیدگان - به‌ویژه حق جبران و ترمیم برای بزه‌دیدگان نقض‌های حقوق بشری و حقوق بشردوستانه - به تصویب رسیده است. اگر اعلامیه ۱۹۸۵ اصول بنیادی دادگری برای بزه‌دیدگان و قربانیان سوءاستفاده از قدرت (قطعنامه ۴۰/۳۴ مجمع عمومی) در تاخت‌و‌تاز بزه‌دیده‌شناسی چنان اهمیت داشت که سازمان ملل را به انتشار دو کتابچه راهنمای مهم در راستای اجراء آن اعلامیه واداشت، قطعنامه ۲۰۰۵ از چند جهت دیگر نیز شایان توجه است:

نخست، قطعنامه ۲۰۰۵ اصول و رهنمودهایی را برمی‌شمارد که بر حمایت از

قربانیان سوء استفاده از قدرت - که به شرح مندرج در بخش دوم اعلامیه ۱۹۸۵ شناسایی و تعریف شده اند - مبتنی ست. با این تفاوت که قطعنامه ۲۰۰۵ به جای مفهوم سیاسی «سوء استفاده از قدرت»، از تعبیر حقوقی «نقض های فاحش حقوق بشر و نقض های شدید حقوق بشردوستانه بین المللی» بهره می گیرد.

دوم، اهمیت تعبیر حقوقی پیش گفته، که می توان آن را بنیان اصلی سوء استفاده از قدرت به شمار آورد، از این جهت است که ضرورت جرم انگاری نقض های حقوق بشری سازنده سوء استفاده از قدرت را به منزله «جنایت های بین المللی» توجیه می کند. از این رو، قطعنامه ۲۰۰۵ با مقید کردن نقض ها به «فاحش» و «شدید»، می کوشد تا ضرورت جرم انگاری نقض هایی را که «جنایت های ذاتی» خوانده می شود، نمایان سازد.

سوم، بدین سان، با وجود محوریت گفتمان حقوق بشری در قطعنامه ۲۰۰۵، قربانیان نقض های حقوق بشری و حقوق بشردوستانه را می توان به زبان بزه دیده شناسانه، همان «بزه دیدگان جنایت های بین المللی» انگاشت که در اعلامیه ۱۹۸۵ به منزله «بزه دیدگان سوء استفاده های مجرمانه از قدرت» شناسایی شده بودند.

چهارم، قید دیگری که در نوشتگان قطعنامه ۲۰۰۵ برجسته شده است، ویژگی بین المللی حقوق بشر و حقوق بشردوستانه است. این قید تا آن جا اهمیت داشته که هر دو جنبه این حق ها به آن مقید شده است و نویسندگان قطعنامه ترجیح داده اند هر دو دسته از این حق ها را با ویژگی «بین المللی» بشناسانند: «حقوق بین المللی حقوق بشر و حقوق بشردوستانه بین المللی». بدین سان، قید بین المللی نه تنها از ویژگی جهان گستر حق ها و آزادی های بنیادی بشر - چه در زمان صلح و چه در زمان جنگ - حکایت می کند، بلکه بر ضرورت جرم انگاری آن ها - هم در سطح داخلی و هم در سطح بین المللی - تأکید می ورزد.

پنجم، بی‌گمان، مهم‌ترین و برجسته‌ترین ویژگیِ قطعنامه ۲۰۰۵ شناساییِ حقِّ جبران برای بزه‌دیدگان پیش‌گفته است. امتیازِ قطعنامه بر دیگر سندها و مقرراتی که به مفهوم جبران اشاره یا توجّه کرده بودند، این است که به‌طور ویژه آن را به مثابه حقِّی برای بزه‌دیدگان شناسایی کرده و حتّاً می‌کوشد تا گونه‌شناسیِ فراگیری برای آن ارائه و تعریف کند. محوریتِ حقِّ جبران و گونه‌های آن در قطعنامه ۲۰۰۵ نه تنها بیان‌گر اهمّیتِ این حق در میانِ حق‌های گوناگونِ بزه‌دیدگان است، بلکه نشان می‌دهد که غایتِ بزه‌دیده‌شناسیِ معاصر نیز در چارچوبِ حقِّ جبران متجلی می‌شود. به سخنِ دیگر، می‌توان گفت که نظریه بزه‌دیده‌شناسیِ معاصر - به مثابه یک قلمرو مطالعاتی مستقل در علوم جنایی - افزون بر شخصیتِ بزه‌دیده، بر مدارِ شناساییِ حق‌هایی برای او استوار است که غایتِ آن در چارچوبِ حقِّ جبران برای بزه‌دیده متبلور می‌شود. بدین‌سان، بزه‌دیده‌شناسیِ دانشی ست که به مطالعه نقشِ بزه‌دیده در فرایندِ رخدادِ مجرمانه و جایگاه او در فرایند و سامانه دادگری جنایی می‌پردازد و بزه‌دیده شخصی ست که از رخدادِ جرمی زیان می‌بیند و گذشته از نقشی که می‌تواند در فرایندِ رخدادِ مجرمانه داشته باشد، شایسته جبرانِ بزه‌دیدگیِ خویش به‌ویژه از گذر سامانه دادگری جنایی است.



کتابچه بزه‌دیده‌شناسیِ عنوانِ مجموعه کتابچه‌هایی ست که جلدِ یکمِ آن به برگردانِ کتابچه بنیادِ جبران (یک سازمانِ نادولتی به‌منظورِ جبرانِ برای بزه‌دیدگانِ شکنجه) اختصاص یافته است. کتابچه بنیادِ جبران تفسیری ست بر اجراء مفادِ قطعنامه ۲۰۰۵، و به همین دلیل، برای زیر-عنوانِ جلدِ یکمِ کتابچه بزه‌دیده‌شناسیِ عنوانِ «اصول و رهنمودهای بنیادی حقِّ جبران و ترمیم» برگزیده شد تا اهمّیتِ یکی از دو جنبه اصلیِ نظریه بزه‌دیده‌شناسیِ معاصر را بنمایاند. با وجودِ استناد به بخش‌های مهمِ قطعنامه ۲۰۰۵ در این کتابچه، متنِ فارسی و انگلیسیِ قطعنامه در پیوست نیز آمده است تا امکانِ

مطالعه دقیق‌تر و کامل‌تر «اصول و رهنمودهای بنیادی درباره حق جبران و ترمیم» آسان‌تر شود.

هم‌چنین، این متن‌های فارسی و انگلیسی می‌توانند برای واحدهای درسی متون حقوقی، به ویژه در دوره‌های کارشناسی ارشد و دکتری رشته‌های حقوق کیفری و جرم‌شناسی، و نیز حقوق بین‌المللی، تدریس شوند.

در پایان، از مدیریت محترم انتشارات سیاه‌رود، جناب آقای دکتر محسن نوبخت برای استقبال از چاپ این کتابچه سپاس‌گزارام و امیدوارام که زمینه چاپ جلد‌های دیگر مجموعه کتابچه‌های بزه‌دیده‌شناسی نیز در ادامه فراهم آید و در آینده‌ای نه چندان دور بزه‌دیده‌شناسی جایگاه شایسته و بایسته خود را در سامانه آموزش عالی و نیز در سامانه دادگري جنایی ایران بیابد.

مهرداد رایجیان اصلی

تهران: فروردین ۱۴۰۲ خورشیدی

پیش‌گفتار

زمانی که مجمع عمومی سازمان ملل متحد قطعنامه اصول و رهنمودهای بنیادی درباره حق جبران و ترمیم را در ۱۶ دسامبر ۲۰۰۵ تصویب کرد، بر ضرورت انتشار این اصول و رهنمودها در گسترده‌ترین سطح ممکن تأکید ورزید. مجمع به همه دولت‌ها پیشنهاد کرد که با در نظر گرفتن این اصول و رهنمودها، رعایت آن را رواج داده و توجه مقام‌ها و مرجع‌های دولتی - به ویژه مجریان قانون و نیروهای ارتش و امنیتی، دستگاه‌های قانون‌گذاری و قضائی، بزه‌دیدگان و نمایندگان آنان، مدافعان حقوق بشر، وکیلان، رسانه‌ها و عموم مردم را به این اصول و رهنمودها جلب کنند.

این کتابچه، که بنیاد جبران آن را تهیه و چاپ کرده است، استقبال چشم‌گیر و پاسخ به موقعی به آرزوی مجمع عمومی در انتشار و اجراء گسترده اصول و رهنمودهای بنیادی است. بنیاد جبران به طور ویژه صلاحیت ارائه این خدمت مهم را دارد، زیرا به شکل عمیقی، همراه با شمار شایان توجهی از کارگزاران دولتی و نادولتی، در فرایند بلندمدت تصویب اصول و رهنمودهای بنیادی مشارکت داشته است.

حق‌ها و منافع بزه‌دیدگان نقض‌های فاحش حقوق بشری و نقض‌های شدید حقوق بشردوستانه بین‌المللی در سطح ملی و بین‌المللی تا اندازه بسیاری نادیده گرفته و مورد غفلت واقع شده است. بزه‌دیدگان بی‌شماری در سکوت هم‌چنان قربانی می‌شوند. با وجود این، در سال‌های گذشته، به نظر می‌رسد

که دیدگاه‌های بزه‌دیده‌مداران به پیش‌رفت کرده است و اصول و رهنمودهای بنیادی به مثابه یک منبع الهام‌بخش، یک راهنما، و ابزاری برای سیاست‌ها و رویه‌های بزه‌دیده‌مداران به منظور استفاده در سطح ملی و بین‌المللی در نظر گرفته شده است. اصول و رهنمودهای بنیادی، هم‌چنین، برای اثرگذاری بر همه نهادهای جامعه، به‌ویژه مقام‌های دولتی، در نظر گرفته شده است، به طوری که می‌توان گفت این دیدگاه بزه‌دیده‌مداران یکی از لازمه‌های هم‌بستگی بشری و تجویزِ دادگری است. من یقین دارم که این کتابچه ثابت خواهد کرد که می‌تواند ابزارِ مهمی برای رواج دادنِ این هدف‌های اساسی باشد.

تتو فان بوون

پیشینه اصول و رهنمودها

اصول و رهنمودهای بنیادی درباره حقّ جبران و ترمیم برای بزه‌دیدگانِ نقض‌های فاحشِ حقوقِ بین‌المللی حقوقِ بشر و نقض‌های شدیدِ حقوقِ بشردوستانه بین‌المللی (اصول و رهنمودها) نتیجه بیش از ۱۶ سال تلاش کارشناسانِ مستقل، و فرایندی دیرینه و مشارکتی از مشورت و رایزنی ست که امکانِ درنظر گرفته شدنِ دیدگاه‌های همه دولت‌ها، سازمان‌های بین‌المللی و نادولتی را فراهم می‌سازد.

این فرایند از سال ۱۹۸۹ آغاز شد؛ یعنی زمانی که کمیسیونِ فرعیِ پیش‌گیری از تبغیض و حمایت از اقلیت‌های سازمانِ ملل از استاد تئو فان بوون درخواست کرد تا مطالعه‌ای را با توجه به «بررسی امکان» پی‌ریزیِ اصول و رهنمودهایی درباره حقّ جبرانِ خسارت، پرداختِ غرامت و اعاده حیثیت. توان‌بخشی آغاز کند. این کار در دسامبر ۲۰۰۵ با تصویبِ این اصول - بدونِ رأی‌گیری - از سوی مجمع عمومی پایان یافت.

از سال ۱۹۸۹ تا سال ۲۰۰۰، کار بر روی اصول و رهنمودها آشکارا در دست کارشناسانی بود که از کمکِ فعالانه سازمان‌های نادولتیِ حقوقِ بشری بهره می‌بردند. در آغاز، این گزارش‌گر ویژه کمیسیونِ فرعیِ پیش‌گیری از تبغیض و حمایت از اقلیت‌ها - تئو فان بوون - بود که متنِ نخستین را در سال ۱۹۹۳ آماده و سپس، به درخواستِ کمیسیونِ حقوقِ بشرِ سازمانِ ملل، نسخه بازبینی‌شده‌ای را در سال ۱۹۹۶ ارائه کرد. از آن پس، گزارش‌گر ویژه کمیسیونِ حقوقِ بشر

- استاد شریف بسیونی - بر پایه متن فان بوون و پس از بررسی دیدگاه‌های دولت‌ها، نسخه جدیدی به پیوست گزارش نهایی خود را به پنجاه و ششمین نشست کمیسیون حقوق بشر در سال ۲۰۰۰ تقدیم کرد.^۱

بر پایه قطعنامه‌ها و تصمیم‌های کمیسیون حقوق بشر در سال‌های ۲۰۰۰، ۲۰۰۱ و ۲۰۰۲،^۲ دفتر مأمور عالی حقوق بشر سازمان ملل،^۳ با همکاری دولت شیلی، در سپتامبر ۲۰۰۲، نخستین نشست از سلسله نشست‌های مشورتی سه‌گانه را با هدف نهایی‌سازی این اصول برگزار کردند.^۴ گرایش و پشتیبانی سیاسی دولت شیلی نقش برجسته‌ای در گسترش این اصول ایفاء کرد.

نشست‌های مشورتی به ریاست آقای آلخاندرو سالیناس (شیلی)، با مشارکت کارشناسان مستقل - استادان تئو فان بوون و شریف بسیونی - و نمایندگان دولت‌های عضو، سازمان‌های میان‌دولتی و نادولتی فرصت‌های دیگری را برای روشن کردن و بهبود بخشیدن به متن اصول ایجاد کرد، و بدین سان، متن را از گذر نظرها و پیشنهادهای گوناگون غنی‌تر ساخت. پنج نسخه جدید از این متن در طول نشست‌ها و دوره‌های میان‌نشستی ارائه شد.^۵

از این مهم‌تر، در سراسر این فرایند کمک‌های کارشناسانه ائتلافی از سازمان‌های نادولتی نیز واقع شد که مشارکت‌شان مسأله پیوند با واقعیت بزه‌دیدگان را تضمین کرد. با توجه به این که هسته اصلی این فرایند تنظیم و نظام‌مندسازی مجموعه گسترده قانون‌های حاکم بر حق جبران و ترمیم بود،

۱. مشخصات این نسخه عبارت است از: E/CN.4/2000/62

استاد شریف بسیونی برگزاری دو نشست مشورتی با دولت‌ها، سازمان‌های دولتی و نادولتی را در سال‌های ۱۹۹۸ و ۱۹۹۹ در ژنو بر عهده داشت.

۲. بنگرید به: قطعنامه ۲۰۰۰/۴۱ کمیسیون حقوق بشر، تصمیم ۲۰۰۱/۱۰۵ و قطعنامه ۲۰۰۲/۴۴ این کمیسیون.

3. High Commissioner for Human Rights

در نوشتگان فارسی حقوقی، این اصطلاح را کمیساریا یا کمیسر عالی حقوق بشر نیز ترجمه کرده اند که با توجه به تفاوت دو واژه commissariat (کمیساریا) و commissioner (مأمور/نماینده)، در اینجا به معنای دوم درست است.

۴. گزارش‌های این نشست‌های مشورتی را می‌توان در سند‌های زیر یافت:

E/CN.4/2003/63; E/CN.4/2004/57 and E/CN.4/2005/59 (final)

۵. بنگرید به: نسخه‌های ۱۵ آگوست ۲۰۰۳؛ ۲۳ و ۲۴ اکتبر ۲۰۰۴ (E/CN.4/2004/57)؛ ۵ آگوست ۲۰۰۴؛ و یکم اکتبر ۲۰۰۴ (E/CN.4/2005/59).

نشست‌های مشورتی باید هم‌ترازی دقیق‌ی را میانِ ایجادِ یک حَسِّ مالکیت میان‌دولتی با درنظر گرفتنِ دیدگاه‌ها و پیشنهادهای دولت‌ها، و این ضرورت که متن [اصول و رهنمودها] به طور دقیق‌ی درک جهان‌شمولِ یکپارچهٔ اصول مربوط به حقِّ جبران و ترمیم برای بزه‌دیدگان را در سراسر جهان بازتاب دهد، حفظ می‌کرد.

بدون چشم‌پوشی از رهیافتِ بزه‌دیده‌مدارانهٔ کنونی در اصول و رهنمودها از زمانِ نخستین پیش‌نویس آن، نشست‌های مشورتی به صدورِ سندی انجامید که هم‌ترازیِ درستی میانِ منافع و مسؤولیت‌های دولت‌ها و حق‌ها و منافع بزه‌دیدگان ایجاد می‌کند. این اصول و رهنمودها به منزله راهنما و ابزاری سودمند برای بزه‌دیدگان و نمایندگانِ آنان، و نیز برای دولت‌ها در طُرَاحی و اجراءِ سیاست‌های عمومی‌شان درباره جبران و ترمیم، با دادنِ یک حاشیه درک و شناختِ گسترده در اجراءِ آن، به کار خواهد آمد.

متنی که برای تصویب به شصت و یکمین نشستِ کمیسیونِ حقوق بشر تقدیم شد، با رأیِ موافقِ ۴۰ دولتِ عضوِ کمیسیون به قطعنامه ۲۰۰۵/۳۵^۱، زمانی که شمارِ گسترده‌ای از دولت‌های عضوِ کمیسیون پشتیبانیِ خود را از آن ابراز داشتند، پذیرشِ گسترده‌ای به دست آورد.^۲ در این زمینه باید گفت که گروه کشورهای آمریکای لاتین و حوزه کارائیب، و بیش‌تر کشورهای اروپایی این اصول و رهنمودها را تأیید و پشتیبانی کردند و این واقعیت را نیز نباید ناگفته گذاشت که هیچ عضوِ کمیسیونِ حقوق بشر علیه آن رأی نداد.

بر پایه تصمیمِ کمیسیونِ حقوق بشر برای نهایی‌سازیِ اصول و رهنمودها با

۱. رأی‌دهندگان به قطعنامه عبارت بودند از: آرژانتین، ارمنستان، بوتان، برزیل، بونینا فاسو، کانادا، چین، کنگو، کاستاریکا، کوبا، جمهوری دموئیکن، اکوادور، فنلاند، فرانسه، گابن، گواتمالا، گینه، هندوراس، مجارستان، اندونزی، ایرلند، ایتالیا، ژاپن، کنیا، مالزی، مکزیک، هلند، نیجریه، پاکستان، پاراگوئه، پرو، جمهوری کره، رومانی، فدراسیون روسیه، آفریقای جنوبی، سری‌لانکا، سوئیس، اکراین، اتحادیه پادشاهی انگلستان، زیمبابوه.

۲. پشتیبانان [مالی] قطعنامه ۲۰۰۵/۳۵ عبارت بودند از: آرژانتین، ارمنستان، اتریش، آذربایجان، بلژیک، بولیوی، برزیل، بوركینا فاسو، کنگو، شیلی، جمهوری چک، کاستاریکا، قبرس، دانمارک، جمهوری دموئیکن، اکوادور، استونی، فنلاند، فرانسه، گواتمالا، یونان، هائیتی، مجارستان، هندوراس، ایرلند، ایتالیا، ژاپن، لتونی، مکزیک، نیجریه، هلند، نروژ، پاراگوئه، پرو، لهستان، اتحادیه پادشاهی انگلستان، رومانی، پرتغال، اسلونی، آفریقای جنوبی، اسپانیا، سوئد، اوگوئه، ونزوئلا.

توجه به تصویب آن از سوی مجمع عمومی (قطعنامه ۱۹۹۸/۴۳ کمیسیون حقوق بشر) و با یادآوری دیگر پیشنهادهاى اخیر - مانند تصویب پروتکل اختیاری کنوانسیون منع شکنجه یا پروتکل اختیاری کنوانسیون حق های کودک -، قطعنامه ۲۰۰۵/۳۵ کمیسیون حقوق بشر (نشست ۶۱) فرایندی تصویبی را طراحی کرد که تصویب قطعنامه هایی را از سوی شورای اقتصادی و اجتماعی (قطعنامه ۲۰۰۵/۳۰) و مجمع عمومی نیز دربرگرفت.

اصول و رهنمودها سرانجام در شصت و نهمین نشست مجمع عمومی سازمان ملل متحد، بر پایه قطعنامه شماره ۱۴۷ در تاریخ ۱۶ دسامبر ۲۰۰۵ به تصویب رسید.^۲

پاتریشیو اتراس: سرپرست هیأت نمایندگی دائمی شیلی در ژنو ۱۳ مارس ۲۰۰۶

۱. البته قطعنامه ای که اصول و رهنمودها به آن پیوست شد، در شصت و چهارمین نشست همگانی [Plenary Session] مجمع عمومی به تصویب رسید (م.ا).

2. A/Res/60/147

درآمد

این کتابچه را بنیاد جبران به منزله بخشی از رسالت خود برای مطالبه دادگری و دیگر گونه‌های جبران/ترمیم برای بازماندگان شکنجه و، به تناسب، خانواده‌های آنان منتشر کرده است. هدف این کتابچه عبارت است از تبیین پاره‌ای از موضوع‌های کلیدی که از سند تازه تصویب سازمان ملل با عنوان اصول و رهنمودهای بنیادی درباره حق جبران و ترمیم برای بزه‌دیدگان نقض‌های فاحش حقوق بین‌المللی حقوق بشر و حقوق بشردوستانه بین‌المللی ناشی می‌شود. این اصول و رهنمودهای پیش از پانزده سال کوشش موشکافانه کارشناسان حقوق بشر، دولت‌ها و سازمان‌های نادرستی را بازتاب می‌دهد، و اهمیت آن سرراستانه به مقیاسی مربوط می‌شود که نسبت به آن، درون‌مایه این اصول و رهنمودها را می‌توان در کشورهای سراسر گیتی واقع ساخت.

هدف بنیاد جبران عبارت است از دست‌رس‌پذیر ساختن و شناخت‌پذیر کردن گسترده مفهوم‌های اصلی مندرج در این اصول و رهنمودها، تا جایی که ممکن است، به‌ویژه میان سازمان‌های نادرستی، جامعه مدنی، گروه‌ها و دیگر دست‌اندرکاران و نمایندگان بزه‌دیدگان. مسأله اصلی این است که حق‌های بزه‌دیدگان بسیار مهم است و این که منافع و نگرانی‌های آنان همواره باید در رأس قانون‌ها و رویه‌های همه دولت‌ها قرار گیرد. این دیدگاه بزه‌دیده‌مدارانه مهم و اساسی ست اگر زخم‌های کسانی که زیان دیده‌اند، شفا یابد، و اگر از نقض‌های بیش‌تر به واقع پیش‌گیری شود.

بنیادِ جبران امیدوار است که این کتابچه نقشِ سودمندی داشته باشد در نزدیک‌تر کردنِ زمانی که در آنْ شکنجه و دیگر جنایت‌های بین‌المللی به‌اندازه‌ای که امروز گسترش یافته است، بازداشته شود، و زمانی که با زیان‌دیدگانِ چنین نقض‌هایی با کرامت و احترامی که شایسته آن‌اند و برای آن با صدای بلند فریاد می‌کشند رفتار شود، و نیز زمانی که مرتکبانِ [این نقض‌ها] مسؤول شناخته شوند.

درون‌مایه اصول و رهنمودها

مجمع عمومی سازمان ملل [قطعنامه] اصول و رهنمودهای بنیادی درباره حق جبران و ترمیم برای بزه‌دیدگان نقض‌های فاحش حقوق بین‌المللی حقوق بشر و نقض‌های شدید حقوق بشردوستانه بین‌المللی را در دسامبر ۲۰۰۵ تصویب کرد. در این کتابچه این قطعنامه اصول و رهنمودها نامیده می‌شود. متن کامل آن را می‌توانید در پیوست ببینید.

اصطلاح‌هایی مانند «جبران»^۱، «ترمیم»^۲، «اصلاح»^۳ و دیگر واژه‌های هم‌سان در زمینه نقض‌های حقوق بین‌المللی حقوق بشر و حقوق بشردوستانه بین‌المللی در شمار بسیاری از سندهای بین‌المللی، منطقه‌ای و ملی و نیز در قطعنامه‌ها و گزارش‌های سازمان ملل به چشم می‌خورد. گاهی اصطلاح‌های گوناگون برای بیان مفهوم‌های یکسان و همانند به‌کار می‌رود و زمانی دیگر، بدون تمایز آشکاری به‌کار برده می‌شود. در اصول و رهنمودها اصطلاح «ترمیم» به دسته گسترده‌ای از تدبیرها اشاره دارد که در پاسخ به نقض واقعی یا تهدیدی می‌توان به‌کار بست و هم ماهیت کمک و یاری و نیز روندی از گذر آن می‌توان ترمیم را به دست آورد، دربرمی‌گیرد. از اساس، اهمیت این اصطلاح‌ها و کاربردها در این جا و هر جای دیگر در بطن ملاحظه‌ها و تعریف‌های مجزّد و انتزاعی نیست بلکه اذعان آشکار بر این [مسأله] است

1. remedy

2. reparation

3. redress

که دولت‌ها تعهدی دوگانه نسبت به بزه‌دیدگان دارند [که عبارت است از]: امکان‌پذیر ساختن اقدام به جبران زیان‌دیدگی برای بزه‌دیدگان و فراهم ساختن پیامدی نهایی که به‌واقع به زیان [واردشده] توجه کند. به عبارت متفاوتی، دادگری برای بزه‌دیدگان سازوکارهای شکلی نابی را ایجاد می‌کند (شیوه‌های جبرانی شکلی) که به کمک و جبران مثبت [ایجابی] نهایی (شیوه‌های ترمیمی ماهوی) می‌انجامد.

اصول و رهنمودها خطوط کلی یک نظام فراگیر جبران بر پایه اصول کلی حقوق بین‌المللی و دیگر پیش‌رفت‌های اخیر در این حوزه را ترسیم می‌کند. با تدوین حقوق جبران از دیدگاه بزه‌دیده‌مداران، مقررات مندرج در اصول و رهنمودها به بسیاری از پرسش‌ها که هنگام اجراء این حق به میان می‌آید، پاسخ می‌دهد [از جمله]:

- چه کسی شایسته جبران است؟
- چه نقض‌هایی تعهدی برای جبران را به همراه دارد؟
- آیا دادگری جبرانی پی‌گردد و کیفر کسانی را که در برابر نقض‌ها مسؤول اند، ایجاب می‌کند؟
- شدت جرم چه نقشی باید در صدور حکم جبران داشته باشد؟
- چه معیاری باید برای تعیین نوع جبران انجام‌پذیر برگزید (غرامت پولی یا چیز دیگر)؟

مؤلفه‌های کلیدی که اصول و رهنمودها آن را دربرمی‌گیرد، عبارت است از:

۱. «تعریف بزه‌دیده» و «حق‌های بزه‌دیده»:

- چه کسی بزه‌دیده است؟
- رفتار با بزه‌دیدگان؛
- حق بهره‌مندی از یک جبران کارآمد و دست‌رسی به دادگری؛
- حق بهره‌مندی از ترمیم و گونه‌های ترمیم مناسب و بسنده؛
- اصل منع تبعیض علیه بزه‌دیدگان.